روح مباحث بنده طوری است که خواننده را از تعصب نسبت به هنر آزاد می‌کند

شماره پرسش: ۵۰۶۰

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۲/۴/۱۹ ۰۵:۰۰:۰۰

متن پرسش

سلام. در جامعه ما دو دستگی بین دینداران و اهالی هنر وجود داره . نظر بنده اینه که مشکل از دو طرفه . یعنی هم دینداران دیدی منفی نسبت به هنر و هنرمندان دارند (حالا میتوان دلیلش هم این باشه که شخصیت هنرمندان ما در ظاهر دینی نیست ، ولی خیلی از آثارشون در تغییر رفتارهای اجتماعی و شخصی مردم تأثیر گذاشته و میگذاره(حال که دینداران ما از این تأثیر گذاریها بی خبرندو ارتباطی هم با آثار هنری برقرار نمیکنند) ازجمله آثار کیارستمی مثل مشق شب یا مسعود کیمیایی مثل سفر سنگ ایشان که حتی در هشت سال جنگ ایرا و عراق بین رزمنده ها پخش میشد که رزمنده ها با دیدن این فیلم روحیه میگرفتند یا امیر نادری مثل دونده که امید واری را توی هر کسی که میخواهد در زندگی یه کاری انجام بدهد را تزریق می کنه توی حوزه فیلم ویا آثار عکاسان یا موسیقیدانها یا نقاشان دیگر ما که به اسم بین مردم شناخته شده نیستند ولی خیلی ها با دیدن آثارشون تحولی در زندگیشان ایجاد میشود، و یا راهی را به سمت خدا رفتن جلوی رویشان باز میبینند با وجود اینکه در ظاهر هم مثل دینداران ما لباس نمی پوشند یا مدام ورد زبانشون خدا و پیغمبر نیست ولی در کارهاشون نمونه ای از صفات خداوند را میتوان مشاهده کرد وتأثیر گرفت وحتی شخصیت فردیشون هم مثل آثارشون هست . ولی کسانی که یه گوشه ای از دین یا صفات خداوند را توفیق پیدا کرده اند و در وجودشان پیاده کنند نسبت به هنری که خداوند در وجودشان قرارداده شاید اهمیت چندانی نمی دهند ولذا نسبت به اهالی هنر دیدی منفی دارند درصورتی که هنر را خداوند در همه آدمها قرار داده و یه عده ای به سمت شکوفا کردن این استعداد قدم بر میدارند ولی دینداران ما نسبت به این یه عده نگاه رحمانی خداوند را ندارند .) وهم اهالی هنر نسبت به مذهب شناخت صحیحی ندارند(البته این عدم شناخت صحیح شاید دراثر رفتارهای دینداران ما بوجود آمده باشه که نسبت به آثار هنرمندان ما واکنش نه چندان مناسبی انجام میدهند و یا بی تفاوتند. ودرنتیجه هنرمندی که به مراتب حساس تراز بقیه اقشار است دیدی منفی نسبت به مذهبیون پیدا میکنه و دین و مذهب را خلاصه میبینه توی این افراد .) نکته بعدی که میخوستم راهنماییتون را داشته باشم اینه که آیا روح هنری داشتن با مباحثی که مطرح هستش درکتب یا جزوه هاتون در تضاد هست یا نه؟ واگر نیست چگونه میتوان هم در زمینه بحثهاتون و هم درزمینه ی هنر که شما بحثی در این مورد نداشته اید به پرورش این دو اقدام کنیم حال با این اوصاف راهنمایی جنابعالی در این دو نکته را میخواستم بدونم واگه هم نظر خاصی ندارید کسی را لطفا معرفی کنید . واینکه چطور میتوان با ایشون در تماس باشم.البته اثار شهید اوینی را هم مطالعه کردم ولی باز هم این سؤالات برایم مطرح

هست و از یه طرف هم برخلاف دیگران که میگویند شهید آوینی باید معیار قرار بگیره من خلاف این نظر را دارم . بله!شهید آوینی در بعضی زمینه ها بحثهاشون راهگشا بوده و هست ولی الان اون روشی که مطرح کرده بودند شاید دیگر جواب ندهد بلکه همون مفهوم را به شکل دیگری میتوان انتقال داد هر چند هم در ظاهر با کلمات مرتضی آوینی هم هماهنگ نباشه ولی در مفهوم هماهنگ هستند.
شاید اون زمانی که مرتضی بود کسی به این حرفها توجهی نمیکرد ولی چون شهید هستند و یه عده هم نسبت به بحث های تخصصی و حوزه های احساسی دین تمایزی قائل نیستند میگویند که ملاک فقط آوینیه و در صورتی که نسبت به شهید بودن ایشان تعصب نشان میدهند و همه بحثهای ایشان را وحی منزل میدانند وتعصب کور کورانه نشان میدهند بدون اینکه اصلا نسبت به هنر شناخی داشته باشند و یا اهالی هنر و آثارشون را دیده باشند ویا نمیخواهند که ارتباط برقرار کنند با آثار در صورتی که اهالی هنر ما بحثهایی دارند که راهگشاتر از نظرات شهید آوینی هست البته با احترام به نظر ایشون.
عذرخواهی میکنم از اینکه طولانی شد ولی اینها واقعیتهایی هستند که نسبت بهشون باید راهی اندیشیده شود و راهنماییهای اساتیدی مثل شما قطعا اثر گذار خواهد بود تشکر و التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده هم با شما موافقم و فکر می‌کنم روح مباحث بنده طوری است که خواننده را از تعصب نسبت به هنر آزاد می‌کند و با وسعت نظری که بنده مایلم نسبت به هنرمندان داشته باشم، خواننده را می‌پروراند، امیدوارم این طور باشد. ولی همین‌طور که می‌دانید کار هنری به معنایی که شما می‌فرمایید در تخصص بنده نیست تا کسی را نیز در این رابطه معرفی کنم. موفق باشید